



Sagor för barn på svenska

berattelser.se

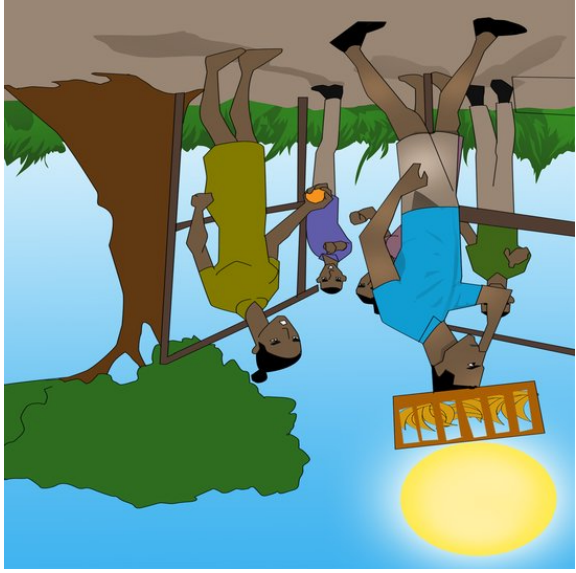
تاج، فرۆشۆی کتێله

Skripen av: Humphreys Odunga
Illustrerad av: Zablon Alex Nguku
Översatt av: Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library)

Denna saga kommer från African Storybook (africanstorybook.org) och vidarebefordras av Sagor för barn på svenska (<http://berattelser.se/>), som erbjuder sagor på många språk som talas i Sverige.

Detta verk är licensierat under en Creative Commons Erkännande 4.0 Internasjonal Lisens. <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/deed.sv>

تاج، فرۆشۆی کتێله



✎ Humphreys Odunga
✉ Zablon Alex Nguku

📧 Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library)
😊 dari
|| nivå 2





تام پک صندوق کیله‌های رسیده با خود حمل
می‌گرد.

تا به فرشته‌ها رفت که کتله‌ها را بپزند.





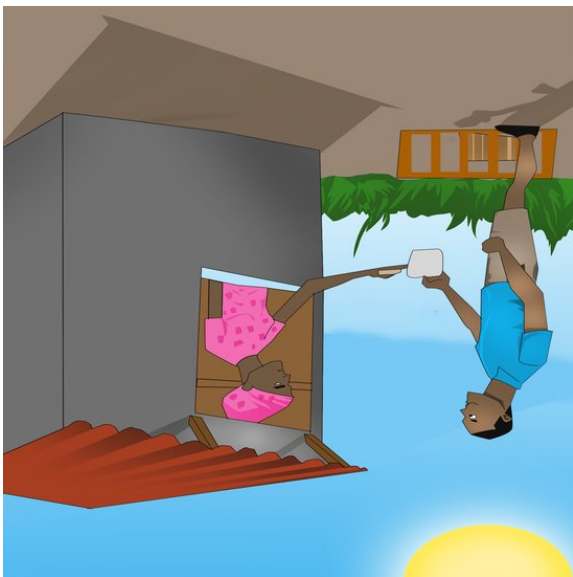
مَرْدُمُ دَرِ فُرُوشْگَاهِ دَرِ حَالِ خَرِيدَنِ مِیَوِهِ بُوْدَنْد.



تَامِ صَنْدُوقِ رَا رُویِ سَرَشِ قَرَارِ دَادِ وَبِهِ خَانِهِ رَفْت.

صندوقش گذاشت.

آن‌ها را خرید و نان و نوره و بون، بون، بون
تایم صابون، تایم شیش



تخریب می‌دادند که از آن‌ها متوجه بخزند.

آن‌ها همگی از کتله‌های تایم نمی‌خرید. آن‌ها
ولی





مَرْدُم می گُفتند دَر جامعِهی ما، فَقط رَنها میوه
می فُروشند. مَرْدُم می پُرسیدند، "او چگونِه مَردی
اَسْت؟"



خِیلی زود، صَندوق خالی شُد. تام پول‌هایی کِه بِه
دَسْت آوَرده بود را شِمُرد.

مردم بتیشتری به سمت غروفه آمدند. آن‌ها کتله‌های
تام را خریدند و آن‌ها را خوردند.



اما کتله‌های مرا،
تاسلم نشد. او صدا زد، "کتله‌های مرا
بخرید! کتله‌های رسته‌ی رستین من را بخرید!"





زنی یک دسته از کیله‌ها را از صندوق برداشت. او
با دقت به کیله‌ها نگاه کرد.



آن زن کیله‌ها را خرید.